

داکتر سخی اشرف زی سید کاغذ

## افغانستان، گنجینه باز یافته استخبارات پاکستان؟

فرمانده کل نیروهای ائتلاف و ناتو جنرال جیمز جان چندی قبل طی مصاحبه ای برای بار دوم اظهار داشت که تروریستان طالب از سرحدات پاکستان بدون کوچکترین مانع عبور و داخل افغانستان به فعالیت های دهشت افگنی، بمب گذاری و انفجار های انتحاری مبادرت و اشخاص بیگنا، معلمین، مدرسین، پرسونل امنیتی و ارکان اداری را ترور و ساختمانها و مکاتب را به آتش می کشند و مانع هر نوع پروژه های انکشافی، زیربنایی و ساختمانی مانند تمدید شاه هراه ها و بند و انهار که در سطح زندگی مردم بخصوص در ولایات جنوب و جنوب غرب یک تغییر مثبت وارد میسازد همه را نابود میکنند. این تروریستان در داخل پاکستان با روش های تروریستی توسط استخبارات پاکستان در کمپ های مخفی تربیه و بعد بسوی افغانستان به منظور ترور و خرابکاری فرستاده میشوند. مسئولین نظامی ناتو این موضوع را با حکومت پاکستان در میان گذاشت و از مسئولین سیاسی و مرکز جاسوسی پاکستان جداً تقاضا نمودند که بانیست دست از حمایت مستقیم تروریستان و هراس افگنان بردارد.

رئیس جمهور افغانستان چندین مرتبه با رهبران سیاسی و اداری پاکستان به تماس و با دلایل و شواهد قوی و حتی تهیه لست آدرس و نمرات تلفون تروریستان طالب را به مقامات مسئول پاکستان تسلیم و تقاضا نمود که کمپ های تروریستی را که تحت نظر مرکز استخبارات پاکستان فعال استند ببندند و طالبان تروریست را که در مناطق سرحدی و شهر کویته بطور آزاد در فعالیت اند دستگیر و تسلیم افغانستان نماید ولی پاکستان با دیده درائی خاصی از مرکز جاسوسی آی اس آی دفاع و از وجود کمپ ها بکلی انکار و آدرس تروریستان طالب را که توسط قوای ائتلاف تهیه گردیده بود نادرست اعلام نمود. و بالمقابل حکومت آقای کرزی را به ضعف سیاسی و اداری ملزم نمود.

رئیس استخبارات سی آی ای امریکه آقای نگرپانتی بتاريخ ۱۱ جنوری سال روان در نشست کمیته بررسی نظامی سنای امریکا و استماع راپور جنگ عراق و افغانستان بالاخره سکوت را شکستاده پاکستان را رسماً ملزم و اظهار داشت که خاک پاکستان مرکز رهایش و آسایش تروریست های طالب و القاعده گردیده، و انتقاد کشورهای جهان در مورد حمایت تروریستان توسط شبه مخفی استخبارات پاکستان روز بروز بلند شده ولی پاکستان این همه اعلامیه ها را رد نمود و وجود کمپ های تروریستی را در داخل خاک خویش نفی مینمود. در اوایل رئیس جمهور امریکه نظر به موقف حساس سیاسی و نظامی از فعالیت های ضد تروریستی پرویز مشرف در مصاحبه ها تمجید مینمود ولی از مدتی است که واشنگتن از سیاست دوگانه پاکستان نا راضی و هفته قبل معاون رئیس جمهور آقای دیک چینی برای چند ساعت در پاکستان توقف و پیام اخطار آمیز آقای بوش را به پرویز مشرف رسانید که بانیست کمپ های تروریستی القاعده و طالب مسدود و سرحدات بین افغانستان و پاکستان تحت کنترول در آورده شود.

اهداف سری مداخلات مرکز جاسوسی پاکستان که میخواهند دار و دسته طالبان را به افغانستان دوباره به قدرت برسانند و برای این منظور با گروه نظامیان و جنرال های پشتون تبار و بازنشسته اردوی پاکستان و یک تعداد از ملاهای دیوبندی گروه افراطی گراه که از اساسات فرقه و هابی پیروی میکنند برای چیست؟ برای آنکه بتوانیم به این سوال نظر اندازی کنیم لازمست که بطور فشرده تاریخچه پیدایش و فعالیت های جاسوسی آی اس آی را تشریح کنیم:

پس منظر سازمان جاسوسی پاکستان:

راپوری در سایت دستگاه نشراتی بی بی سی بتاريخ ۹ اکتوبر ۲۰۰۶ در مورد سازمان جاسوسی آی اس آی بطور مختصر ولی جالب نشر نمود و آی اس آی را یک حکومت دیگر در بین حکومت اسلام آباد یاد نمود که هدف اصلی این سازمان مخفی که اعضای آن از نظامیان اردوی پاکستان تشکیل شده ابتدا برای برانداختن زعمای رهبران سیاسی پاکستان بود که توسط مردم بطور انتخابی در راس حکومت تعیین گردیده بودند.

در سال ۱۹۴۸ پاکستان با هند درگیر نظامی نمود که بنام جنگ اول کشمیر یاد میشود و در همین سال حکومت پاکستان سازمان امنیتی را تشکیل نمود که بنام آی اس آی معروف شد. مرام اولی این تشکیل انسجام فعالیت های نظامی اردو، قوای بحری و هوایی بود و چون پاکستان یک کشور نوتشکیل و به تازگی از کشور هند جدا گردید و برای آنکه هر نوع توطئه را در اردو کشف و خنثی نماید فعالیت را شروع نمود ولی بعدها هدف اصلی این سازمان بتدریج وسعت پیدانمود که نه تنها در بخش اردو بلکه در مورد زعمای رهبران سیاسی پاکستان که بشکل انتخابی در کشور اجزای وظیفه میکردند هر روش سیاسی و مرودات اجتماعی این رهبران تحت تعقیب این موسسه جاسوسی قرار داشتند. ایجنت های آی اس آی در داخل احزاب های سیاسی رخنه نموده با تکتیک ها و روش تزویرآمیز فعالیت احزاب سیاسی را تحت مراقبت داشتند و اشخاصی را که مخالف روش سیاسی حکومت نظامی پاکستان بود و یا فکر

تجزیه طلبی داشتند که خطر برای حکومت نظامی ایجاد مینمودند با تهدید و اعمال زور و فشار فعالیت رهبران سیاسی و حزبی را خنثی و پروگرام های سیاسی و حزبی آنها را برهم میزد.

در سال ۱۹۵۰ پاکستان عضو پکت نظامی سینتو گردید و این پکت یک اتحاد نظامی و دفاعی را بر ضد قوای کمونست شوروی تشکیل میداد و اردوی پاکستان از جانب کشورهای غربی بخصوص امریکا و انگلستان کمک های نظامی بدست آورد و بخش های مهم اردو را با اسلحه و تجهیزات نظامی مدرن آراسته ساخت و در پهلوی آن اشخاص براننده اردو انتخاب و برای تعلیم نظامی و جاسوسی به مرکز جاسوسی سی آی ای در امریکا فرستاده شد که بعد هریک این افراد تعلیم دیده سی آی ای امریکا در تشکیل جاسوسی پاکستان موقف مهم اداری را احراز نمودند و دستگاه جاسوسی پاکستان از آن زمان تا امروز یک ارتباط تنگاتنگ و مهم با مرکز جاسوسی سی آی ای امریکا برقرار نمودند.

بعد از تجزیه نیم قاره هند به دو کشور هندوستان و پاکستان مناطق سرحدی که اقوام پشتون جبراً به خاک پاکستان ضمیمه گردید و بنام سرحد آزاد برای پشتون های ماورای سرحد خودکفائی اداری اعطا گردید. در جنگ هند و پاکستان پشتون ها خدمات و عملیات براننده نظامی را برای پاکستان امروزی انجام دادند و در آنوقت پشتون های شمال غربی پاکستان قسمت عمده اردوی پاکستان را تشکیل میداد که تعداد پشتون ها در خدمت نظام پاکستان نسبت به پنجابی ها که قوم اکثریت را در پاکستان دارد زیاد تر و یا معادل به نظامیان پنجابی بودند و امروز هم که پاکستان دارای نیم میلیون اردو است که بیست و پنج فیصد آن از اقوام پشتون تبار مناطق سرحدی میباشد. (ویب سایت بی بی سی نیوز، جمعه ۲۹ دسمبر ۲۰۰۶ کراچی). تعداد زیاد کارکنان سازمان جاسوسی پاکستان را نیز اقوام پشتون تبار مناطق شمال غربی پاکستان تشکیل میدهند که اندکی بعد روی آن در ارتباط با تروریسم و افراطی گرائی در افغانستان بحث خواهیم نمود.

جنرال ایوب خان، قوماندان اردوی پاکستان در سال ۱۹۵۸ در اثر یک کودتای نظامی در پاکستان به قدرت رسید و ایوب خان برای تقویه حکومت نظامی خویش مرکز جاسوسی سی آی ای را بیش از پیش تقویه نمود و به توسعه فعالیت های این مرکز سعی بلیغ نمود.

پاکستان از اقوام مختلف مانند سندی، بلوچی، بنگالی، پنجابی و پشتون تشکیل و هریک از این اقوام منتظر فرصت بودند که از پاکستان جدا و کشور مستقل اعلان نمایند و این احساس تجزیه طلبی اگر موفق میشد منجر به از بین رفتن کشور پاکستان میگردد. حکومت ایوب خان برای کنترل این اقوام مختلف افسران از هر قوم مختلف را نظریه دانش و تجربه نظامی انتخاب و به سازمان جاسوسی سی آی ای معرفی نمود و به این ترتیب توسط این ایجنس ها هر فعالیت تجزیه طلبی اقوام را در نطفه خفه نمود.

حکومت نظامی در پاکستان از سال ۱۹۵۸ الی ۱۹۷۱ ادامه داشت و زمانی که پاکستان شرقی به کمک روسیه و هند رقیب بزرگ سیاسی پاکستان جدا گردید و کشور بنگله دیش را تشکیل نمود که این واقعه ناگوار سیاسی به پاکستان گران تمام شد و به اردوی پاکستان لطمه بزرگ سیاسی و نظامی وارد ساخت و از اهمیت و پرستیژ سازمان جاسوسی سی آی ای پاکستان نیز کاسته شد.

در سال ۱۹۷۲ زولفقار علی بوتو بحیث یک رهبر غیر نظامی در راس حکومت پاکستان به حیث رئیس جمهور تعیین گردید، و برای توازن قوا با هند زولفقار علی بوتو پروژه مخفی اتمی را براه انداخت و از جانب دیگر در دوران حکومت بوتو بار دیگر فعالیت های آزادی خواهی بلوچ هم ازدیاد بخشید که باز هم توسط مرکز جاسوسی سی آی ای رهبران تجزیه طلب بلوچ به نحوی از انحا به شکست مواجه شد. و مرکز جاسوسی پاکستان یک بار دیگر حیثیت از دست رفته را نزد رهبران سیاسی پاکستان ترمیم نمود. بوتو یک زعیم غیر نظامی بود و نتوانست در دوران حکومت خویش به افسران و نظامیان پاکستان طوری که شاید و باید رسیدگی نماید. جنرالهای اردوی پاکستان از روش بوتو اظهار نارضایتی نمودند و باز هم نظامیان به کمک مرکز استخبارات سی آی ای توطئه برچیده و کودتای نظامی را به رهبری جنرال ضیاالحق براه انداخت، بوتو را دستگیر و در محکمه نظامی محکوم به اعدام و بدار آویختند.

کنترول هفت تنظیم پشاور توسط سی آی ای :

افغانستان بتاريخ ۱۲ دسمبر ۱۹۷۹ (۶ جدی ۱۳۸۵ خورشیدی) توسط ارتش سرخ روسیه کمونست اشغال شد و این حرکت نظامی روسیه حلقه های سیاسی امریکاه و متحدین غربی اش را سراسیمه نمود و کشورهای اروپائی و ایالات متحده امریکا متحداً به این نظر بودند که صرف کشور پاکستان مانع رسیدن روسیه شوروی به آبهای گرم بحر هند باقی مانده که اگر جلوی پیشروی روسیه در افغانستان گرفته نشود کشور پاکستان دیر یازود در اثر فشارهای نظامی روسیه در افغانستان و کشور هند همپیمان روسیه شوروخواهند فرو پاشید و بلاخره روسیه به آرزوی دیرین خویش که رسیدن به خلیج فارس و بحر هند است خواهد رسید، و قدم بعدی روسیه کنترول خلیج فارس و اشغال چاه های

نفت سعودی و کشور های خلیج خواهد بود، که برای غرب اهمیت بزرگ ستراتیژی و اقتصادی داشته و رسیدن قوای روس در خلیج فارس بکلی وضع سیاسی منطقه را دیگرگون خواهد ساخت که اگر جلو این پیش آمد ناگوار سیاسی و نظامی بطور جدی گرفته نشود، کشور های غرب و امریکا به یک بحران بزرگ سیاسی و اقتصادی روبرو خواهند شد.

جمی کارتر رئیس جمهور امریکاه و مشاور سیاسی وی آقای زیگنر برزنسکی بر ضد تعرض روسیه شوری در افغانستان یک اتحادیه از کشورهای عرب و کشورهای غرب را بوجود آورد که متشکل از ممالک برتانیه، فرانسه، آلمان، چین، ترکیه، عرب سعودی، مصر و شیخ نشینان اطراف خلیج فارس بود و حکومت انقلابی ایران نیز مجاهدین ساحه غرب و مرکزی افغانستان را اکمالات نظامی و مالی مینمود.

امریکا و متحدین غربی نظریه پافشاری حکومت پاکستان که بانیست کمک های مالی و تهیه اسلحه که از جانب امریکاه و متحدین اش برای هفت تنظیم افغان در پشاور از طریق سازمان جاسوسی آی اس آی صورت بگیرد. برای کنترل بهتر فعالیت های چریکی در افغانستان دستگاه جاسوسی پاکستان یک شعبه بنام افغانستان تاسیس و یک تعداد از مامورین بلند پایه و پشتون تبار را نظریه همسوی زبان و مشابهت کلتوری مانند جنرال حمید گل، نصر اله بابر، خالد خواجه افسر مهم دستگاه آی اس آی که بعد از تقاعد از ماموریت آی اس آی در افغانستان رفت و در خدمت اسامه بن لادن درآمد، کرنیل امیر سلطان که مشهور به کرنیل امام است و کرنیل امام را به حیث موسس و پیشوای تحریک طالبان میدانند، مامور شدند که با رهبران هفت تنظیم ارتباط مستقیم برقرار و مسایل کمک پولی و توزیع اسلحه برای هفت تنظیم به امر و فرمایش این مامورین بلند پایه پشتون تبار صوبه سرحد اجرا میشد، کمک های پولی به مبالغ هنگفت، هزار ها میلیون دالر از جانب امریکا و متحدین غرب ابتدا به مرکز جاسوسی آی اس آی سرا زیرمی شد و مامورین آی اس آی اختیارات تام داشتند که به کدام تنظیم به چه مقدار پول و اسلحه توزیع نمایند و کدام مرجع دیگر وجود نداشت که روش مامورین بلند پایه آی اس آی را بررسی و کنترل کند، چون گلبدین حکمتیار حتی قبل از اشغال روسیه در افغانستان با اردوی پاکستان یک رابطه تنگاتنگ داشت قسمت زیاد کمک ها به تنظیم گلبدین ارسال میشد. مامورین آی اس آی از این کمک های نظامی جهان بهره بزرگ شخصی برده و قسمت زیاد این کمک های پولی که برای افغانستان ارسال میشد به جیب جنرال های پاکستان می افتاد، جنرال ها و مامورین آی اس آی در یک تجمیل غیر تخیل در پاکستان زندگی داشتند و حتی میگفتند که ویسکی و خوراک سگ شان از اروپا بنام شخص جنرال وارد و توسط مامورین گمرکی پاکستان به جنرال ها تسلیم داده میشد.

خواب خوش رهبران سیاسی پاکستان :

هیچ یک از رهبران هفت تنظیم شخصیت ملی نه بلکه متشکل از شخصیت های مذهبی و یا سرکردگان قومی و تباری یک منطقه در افغانستان بودند و این تنظیم ها باهم یک ستراتیژی مشترک دفاعی نداشته و هر گروه بطور مستقل در منطقه تحت نفوذ خویش به فعالیت های چریکی و ضد کمونستی در مقابل حکومت کابل فعالیت داشتند و اکثر این رهبران با یکدیگر رقابت های قومی و تباری داشته و با روش ها و تکنیک های جنگی یکدیگر بکلی بی علاقه بوده و بعضاً گروه ها نظریه حسادت و تنگ نظری باهم درگیر نظامی میکردند و مسئولین آی اس آی این بی اعتمادی و خصومت های شخصی را به منظور کنترل بیشتر بین هفت تنظیم تشویق و تقویه مینمود. هر حرکت و فعالیت این هفت تنظیم از جانب مرکز جاسوسی پاکستان رهنمایی و کنترل میشد. و از جانب دیگر هفت تنظیم چون مرکز فعالیت چریکی را پشاور انتخاب نموده و از آنجا نظر به شرایط جغرافیائی و ارتباطات گروه های قومی و سمتی در ساحه جنوب و جنوب غرب به سهولت داخل خاک افغانستان شده با قوای کمونست درگیر میشدند، همچنان هشت تنظیم شیعه از جانب حکومت اسلامی ایران به منظور از دیاد نفوذ سیاسی در افغانستان تقویه و حمایه میشدند، صرف گروه آقای شیخ محسنی، شیعه پشتون تبار قندهاری با دولت اسلامی ایران در تضاد بود.

نظر به ضرورت و اجبار هفت تنظیم چاره دیگر نداشتند به جز اینکه از اوامر و فرمایش دستگاه آی اس آی پیروی نمایند. و در نشست های بین المللی حکومت پاکستان به نیابت هفت تنظیم پشاور در مذاکرات سهم میگرفت و حتی در مذاکرات سویس روس ها به منظور بیرون کشیدن قوای خویش از افغانستان با پاکستان مذاکرات مستقیم را آغاز نمود که این روش یک لطمه بزرگ سیاسی برای مجاهدین افغان گردید و کشورهای غربی نیز از سرپرستی سیاسی افغانستان توسط پاکستان درخفا موافقه داشتند و این امر جنرال ضیالاحق را به این مفکوره انداخت که سرنوشت سیاسی و اقتصادی افغانستان به حیث یک کشور تحت الحمایه بانیست توسط پاکستان تعیین و تثبیت شود و بنا براین نظر حکومت ضیالاحق موضوع کنفدریشن پاکستان و افغانستان را بحیث یک روکش سیاسی در دستگاه های نشراتی بین المللی توسط مصاحبه ها، نشرات و بیانات سیاسی تبلیغ نموده و قبلا برای رهبری سیاسی افغانستان گلبدین حکمتیار را که رابطه دیرین با رهبران اردوی پاکستان داشت، تعیین گردید.

بعد از بیرون رفتن قوای روس از افغانستان بین هفت تنظیم طوری که در حلقه های سیاسی بین المللی پیش بینی شده بود اختلاف نظر روی کنترل سیاسی و اداری افغانستان بروز نمود که با میان جگری استخبارات پاکستان حکومت

های موقت سه ماهه و شش ماه توسط تنظیم هفت گانه موافقت شد ولی همه این تنظیم ها با کنترل کامل سیاسی گلبدین حکمتیار موافقت نداشت و از جانب دیگر قوای احمد شاه مسعود رقیب سر سخت حکمتیار فاتحانه داخل کابل و کنترل اداری شهر را در دست گرفت که این واقعه به گلبدین حکمتیار گران تمام شد و شهر کابل را با شلیک هزارها راکت از چهار آسیاب ویران و شهروندان بی دفاع کابل را به فرار مجبور ساخت و در این جنگ ها به تعداد دوصد هزار اهالی کابل جان خود را از دست دادند و موقف سیاسی حکمتیار و همدستانش در ساحه ملی و بین المللی ضعیف گردید و استخبارات پاکستان گروه بدیل حکمتیار را بنام تحریک طالبان از جانب کویته به قندهار سوق داد و مدت شش نیم سال گروه افراطی گراه و هابی طالبان یک وحشت عجیب و ترور اقوام دیگر را در افغانستان براه انداخت و زنها را به اسارت درآورد، مکاتب رابست و خانه ها را به آتش کشید، بت های بامیان کهن را ویران نمود.

واقعه یازده سبتمبر در امریکا سرنوشت سیاسی افغانستان را بکلی تغییر داد و افغانستان جبراً از زیر نفوذ استخبارات پاکستان بیرون کشیده شد. قوای امریکا با کمک پیروان نظامی مسعود رژیم طالب را در افغانستان از بین برد و ملاء عمر با دار و دسته خویش دوباره به کوه های وزیرستان شمالی متواری شد.

واقعه یازده سبتمبر و آزادی افغانستان از تحت کنترل طالبان برای استخبارات پاکستان که در اثر تلاش بیست ساله بالاخره موفق شده بودند که افغانستان را دیفکتو بحیث ولایت پنجم پاکستان درآوردند قابل قبول نبود، و استخبارات پاکستان باز هم امید را از دست نداده به این مفکوره رسید که بعد از سپری شدن چند سالی امریکا و قوای ناتو افغانستان را بالاخره ترک خواهد نمود و ملاء عمر و دارودسته وی را استخبارات پاکستان در کویته به منظور کنترل دوباره افغانستان در تحت حمایت خویش قرار داد و جنبش طالب را از طریق بمب گذاری و عملیات تروریستی طالبان را دستگاه نشراتی پاکستان توسط سخنگویان طالب در اذهان جامعه جهانی زنده نگاهداشت و قوای امریکا که سخت مصروف جنگ عراق بود قضیه افغانستان را سهل انگاری نمود از این فرصت استخبارات پاکستان استفاده نموده و کمپ های تروریستی را تاسیس و افراطی گران طالب را تربیه نمود و ملا داداله یکی از پیشقراولان تروریستی طالبان با لاف و گزاف پروگند رابراه انداخته که در شروع بهار عملیات تروریستی را در بخش های جنوب و جنوب غرب افغانستان شروع و برای این حملات تروریستی به تعداد ده هزار طالب در کمپ های وزیرستان شمالی تربیه و آماده حملات تروریستی شده اند.

دراخیر با نیست یاد آور شد که حکومت آقای کرزی در صورت میتواند از پلان های اهر یمنی استخبارات پاکستان کشور را رهائی بخشد که سه بخش مهم را در دوران حکومت خویش تقویه نماید:

اول: تشکیل یک اداره امنیت ملی است که صرف برای دفع فعالیت های مخرب استخبارات پاکستان فعالیت خویش را تمرکز داده و هر توطئه استخبارات پاکستان را به موقع آن کشف و آنرا خنثی گرداند و ایجننت های پاکستان را که در ارکان اداری حکومت کرزی و موسسات عالی قانون گذاری ( نمایندگان ولسی و مشرانو جرگه کشور) نفوذ نموده اند شناسائی و فعالیت شان را خنثی سازند.

دوم: چون افغانستان در یک حالت اضطراری قرار دارد با نیست در بخش اردو و قوای پولیس توجه شده اقل به تعداد یک صد هزار عسکر مجهز با وسایل دفاعی مدرن تربیه گردد تا بتواند تجاوزات احتمالی دشمن را دفع و سرحدات افغانستان را تضمین کند و افزون برآن به تعداد سی هزار پولیس ضرورت است که به واقعات جنائی در شهرها رسیدگی نماید.

سوم: خلق کار است، حکومت بانئست در بخش پروژه های اقتصادی کوچک، عام المنفعه و زود رس توجه مبذول داشته تا از این طریق جوانان محروم و بی روزگار کشور را در این پروژه ها جذب نماید.

پایان